**دیوید اپتر**

درزمره کارکرد گرایی است وکتابش سیاست نوسازی نام داردتعریف نوسازی از نظر اپتر: نوسازی یک پدیده خاص است که معنای محدود دارد ومتضمن نقش‌های اجتماعی جدید بر خاسته از جامعه صنعتی در دل جامعه سنتی است در حالی که توسعه‌ی روندی عام دارد وجهان شمول است وشامل تمامی تغییرات می‌شود.

ازنظراپتربرای رسیدن به توسعه سه مرحله را باید طی کنیم

.

**مرحله جامعه سنتی**

**مرحله نوسازی**

**مرحله صنعتی**

نوسازی از نظراپتر سه ویژگی دارد:

**نواوری دائمی نظام اجتماعی**

**ساختار اجتماعی تمایز یافته**

**تدوین وارائه دانش برای زندگی در جهان پیشرفته تکنولژیک**

ازنظر اپتردر مجموعه هدف نوسازی آماده کردن رو بناهای جامعه سنتی برای زندگی صنعتی (اقتصاد صنعتی) است.

نوسازی همزمان به ملاحظات درونی وبیرونی مربوط می‌شود.

ملاحظات بیرونی با این هدف که ظهور نقش‌های جدید اجتماعی که ازقبل صنعتی شده است.

ملاحظات درونی به این دلیل که به تدریج با ویژگی‌های جامعه سنتی وفاق پیداکند.

علی ایحال از دیدگاه اپتر دیگر تجدد دوگانه وناسازگار به نظرنمی آیند.

و اپتر می گویداولا هر جامعه راه حل خاص خودش را دارد ومی توان تنش را کاهش داد

*چهارنوع نظام سیاسی از نظر اپتر*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | (اقتدار سلسله مراتبی) | اقتداررهبری |
| ارزش‌های کمالی | (نظام بسیجی) | نظام مذهبی |
| ارزش‌های ابزاری | (نظام اصلی دیوان سالاری) | نظام آتشی |

ثانیاً بصورت پلکانی حرکت می‌کند و تلاش می‌کند که به مرور زمان وآگاه نمودن جامعه بحث نوسازی وتوسعه را دنبال می‌کند.

اول به همین دلیل الگوی اپتر پیچیده می شودوفایده ی عملی آن از بین می‌رود.

دوم به بینش تقریباً غایت گرایانه از توسعه متوسل می‌شود

**ارگانسکی:**

دیدگاه خود را در کتاب مراحل توسعه سیاسی ارائه کرده است.

به عقیده ارگانسکی مراحل توسعه از چند مرحله باید گذر کند:

**مرحله اول: یک پارچگی اولیه**

**مرحله دوم: صنعتی شدن**

**مرحله سوم: وضعیت مناسب**

**مرحله چهارم: دوره وفور وفراوانی**

ارگانسکی بر این عقیده است که برای عبورازاین مراحل بحران‌های خاص خود را دارد ونیاز یه یکسری اقدامات خاص دارد.

**مرحله اول**: با یک پارچگی اولیه تمامی جوامع قبل از سرمایه داری این مرحله را طی می‌کند.

قدرت مرکزی ضعیف وجمعیت بسیجی کمی می‌باشد.

اقتصادبرپایه کشاورزی استوار است.

**مرحله دوم**: مرحله صنعتی شدن که فرد از الزام نوسازی سر چشمه می‌گیرد ودر این مرحله دولت‌ها اقدام به انباشت سرمایه، ورود نخبگان اقتصادی به صحنه قدرت و مهاجرت کارگران وکشاورزان به سوی شهرها البته دراین مرحله انباشت سرمایه عملی نمی‌شود مگربابهای سنگین اجتماعی ارگانیسکی اظهارمی دارد که در طول تاریخ فقط سه نظام توانسته‌اند راه حل پیدا کند:

**الف) بورژوایی‌ها**

**ب) رژیم استالینی**

**ج) فاشیستی**

**مرحله سوم** مرحله وضعیت مناسب: در این مرحله تلاش دولت معطوف به بهبود سطح زندگی اقشار مختلف اجتماعی است و دولت‌ها در این مرحله برای ارضای این تقاضاها و فشارهاو همچنین برای تقویت ساختارصنعتی در حال زایش، توزیع و امکانات رادربرنامه خود قرار می‌دهند.

در این شرایط سه نوع نظام سیاسی می‌توانند خود را تحمیل نمایند:

**دموکراسی غربی**

**کمونیست بعد ازاستالین**

**دولت نازی**

**مرحله وفور وفراوانی:**

از نظر ارگانسکی این مرحله متعلق به آینده جوامع صنعتی است و باعث افزایش تولید ات می‌شود و فراوانی کالارابه دنبال دارد و نظارت دولت به اقتصاد ضروری است.

برینگتون مور: دیدگاه‌های خود را در این کتاب ریشه‌های اجتماعی و دیکتاتوری و دموکراسی ارائه کرده است.

آقای مور چگونگی تحویل جامعه‌ی سنتی به جامعه صنعتی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

هدف اصلی این کتاب کشف راه‌های مختلف توسعه و نوسازی و قوانین تحول سیاسی و اجتماعی در نقاط مختلف جهان است.

مور بادودسته از نظریات رایج توسعه مخالف می‌باشد.

**الف: نظریات مارکسیستی نوین درباره توسعه وعقب ماندگی**

**ب: توسعه تک خطی درمیان برخی دانشمندان غرب**

از نظر مور عوامل داخلی درخصوص توسعه وعقب ماندگی از عوامل اصلی هستند.

راههای نوسازی در جوامع سنتی از دیدگاه مور از سه راه صورت گرفته است

**راه دموکراتیک وسرمایه داران**

**راه نوسازی محافظه کارانه**

**راه نوسازی کمونیستی**

**راه نوسازی وسرمایه دارانه**: درسه کشور انگلستان، فرانسه وآمریکا انقلاباتی خشونت آمیزاتفاق افتادونتیجه اش پیدایش سرمایه داری ودموکراسی بورژوایی بوده است. وانباشت مازاد اقتصاد بوسیله سرمایه دار صورت گرفت.

**راه نوسازی ومحافظه کارانه**: از راه انقلاب از بالا که این راه سرمایه دارانه است، ولی به پیدایش فاشیسم انجامید. انباشت اقتصاد بوسیله دولت وسرمایه دار صورت گرفت.

**راه نوسازی وکمونیستی**: دهقانان قربانی این شیوه نوسازی بودند وبوسیله کمونیستی سرکوب گردیدند ودر شیوه کمو نیستی دولت عامل اصلی این انباشت بود.

وکشورهایی که دست به این انقلابات نزدند امروز به عنوان کشورهای عقب مانده هستند.

علی ایحال آقای مور نظریه پرداز نوسازی است وزمینه های ارتباط او با این مکتب عبارت است از **اول**: اینکه او تاکید دارد نوآوری در سطح سیاسی عامل کلیدی در دولت‌های مدرن است.

**دوم**: به نظر او گرچه تکنو لوژی غرب جهان را فراخواهد گرفت اما مسیرهای مختلفی به مدرنیسم منتهی می‌شود.

می‌توان نتیجه گرفت که او نظریه پردازتک خطی نیست

**سوم**: اوبر اهمیت وجود رهبر سیاسی قدرت مند تاکید دارد

**چهارم**: مور اهمیت علل اقتصادی را به رسمیت می‌شناسد اما در شیوه ساختاری او هیچ اشاره ای به عامل یک بعدی نمی‌شود.

**آلموند وپاول**: نظریه کارکرد گرایی خود را در کتاب سیاست تطبیقی ارائه کردند این کتاب مکمل کتاب آلموند وکلمن در سال 1960 بود آلموند وپاول معتقدبه توسعه سیاسی هستند.

از دید گاه اینان کار ویژه‌های نظام سیاسی به شرح ذیل می‌باشند

**ویژه‌های تبدیل واستحاله**

**کار ویژه‌های تطبیق**

**کار آیی های کار کرد ی نظام سیاسی**

**کار ویژه واستحاله**: این کار ویژه جنبه جهان شمول دارد وشدیدا تحت تأثیر سطح توسعه جا معه هستند.

واینکارویژه بر اساس حمایت جامعه ازنظام می‌باشد واین حمایت‌ها و تصمیمات موثری که برکل جامعه تأثیر می‌گذارد و تبدیل می‌شود این کار ویژه طرح تجمیع علائق، تجمیع منافع، تمهید قوانین، اجرای قوانین وظیفه قوه مجریه است.

**کار ویژتطبیق**: این کارویژه از طریق ساز وکار عضو گیری سیاسی و اجتماعی کردن سیاست به نظام امکان می‌دهد تا خود را با فشارهای ناشی از دگر گونی (تغییرات) تطبیق بدهد.

لذا به تدریج که توسعه به کمال می‌رسد به نقش‌ها هم تخصصی تر شده و محتاج کار گذارانی می شوندکه از ویژگی‌های بالاتری بزخوردار باشند و به دنبال هیئت‌های سیاسی می‌روند

واین کار ویژه هم به نوبه خود به تولیدنهاد ها کمک می‌کند که تخصصی عمل کنند.

کارایی‌های کار کردی نظام سیاسی: دارای 5 کار ویژه هستند که تمامی نظام‌های سیاسی در ارتباط با محیط خود انجام می‌دهند.

**توان استحصال**: امکان کشف منابع مادی وانسانی برای رسیدن به هدف را محقق می‌سازد.

**توان تنظیم**: اعمال نظارت وهماهنگ نظام بر افراد وگروهها

**کارایی توزیع:** ناظر بر تقسیم کالا، خدماتووضعیتهای موجود در جامعه

**توان سمبولیک**: به مجموع تلاش‌های سمبولکی مانند جشنهاو رژه‌ها و....

**توان پاسخ گویی**: درجه حساسیت‌های نظام ومهارتهای آن در ارضای تقاضاها را نشان می‌دهد.

آلموند وپاول نظام‌های سیاسی را بر حسب سطح توسعه به سه دسته تقسیم می‌کنند.

**نظام‌های بدوی**: دارای ساختارهای گسیخته وفاقد تنوع بوده وفرهنگ محلی ومنطقه ای

**نظام‌های سنتی**: با درجه ای از تنوع ساختاری آشنا شد

**نظام‌های جدید:** دارای فرهنگ مشارکتی ومتنوع هستند.

**لوسین پای**: لوسین پای دید گاهای خودشان رادر کتاب جنبه‌های توسعه سیاسی ومقاله ای در کتاب بحران‌ها وتوالی ها وتوسعه سیاسی ارائه کرده است.

به عقیده پای در تمامی جوامع نشانه توسعه عبارت‌اند:

**برابری**: شهر وندان به صورت برابر در زندگی سیاسی مشارکت نمایند.

**کارایی وتوان پاسخ گویی نظام سیاسی**: اقدامات حکومت باعث افزایش رفاه همگانی می‌شود.

**تمایز گذاری وتخصصی شدن ساختارها**: پیچیده شدن نقش‌ها، تخصص وتسلیم حوزه‌های مختلف است

هرجامعه ای برای رسیدن به نو گرایی بدون بحران وتنش نخواهد بود وتوسعه سیاسی زمانی حاصل می‌شود که یک نظام بتواند بر این بحران‌ها فائق آید.

بحران‌ها به شرح ذیل می‌باشد.

**بحران هویت**

**بحران مشروعیت**

**بحران مشارکت**

**بحران توزیع**

**بحران همبستگی ونفوذ**

**بحران هویت**: باید مردم دارای احساس ملی باشند وهر فرد خودش را وابسته به گروهی وخودشان را وابسته به یک منطقه بدانند.

در تاریخ اروپا اختلافاتی که بین دولت وکلیساها پیدا شد مظهر وجود بحران هویت بود که با ایجاد دولت‌های ملی وپذیرش زبان، تاریخ، فرهنگ وسر زمین مشترک حل شد.

**بحران مشروعیت**: اختلافاتی است که در مقبولیت یک حکومت در بین مردم بوجود می اید وزمانی این مشروعیت پا برجا است که دلایلی که حکام برای حکومت کردن می اورند. به وسیله عامه مردم پذیرفته شود در تاریخ اروپا بحران مشروعیت به صورت اختلال بین پاد شاهان وروحانیون کلیسا نمایان شد، وبا حاکمیت مردم پایان یافت وبر این اساس حاکمیت از جانب مردم به حکام واگذار واین وا گذاری دائمی نیست ومی توانان را بار دیگر سلب نمود.

**بحران مشارکت**: وقتی که بحران هویت وبحران مشروعیت حل شد مردم به دنبال حق خودش در مشارکت هستند وبا افزایش گروه‌های انتفایی، باشگاه‌ها واحزاب سیاسی ودر نهایت این بحران با گسترش حق رأی همگانی حل می‌شود.

**بحران توزیع**: این بحران حاکی از ضرورت توزیع امکانات اقتصادی در بین مردم است باید کالاها وخدمات وارزشها در عرصه جامعه توزیع شود ونیاز به مداخله دولت می‌باشد پس راه حل این بحران پیدایی دولت رفاه است.

**بحران نفوذ وهمبستگی**: ساختار حکومت باید پاسخ گوی نیازهای مردمی باشد ومسائل جدید را از طریق ایجاد نهادهای ملی ومحلی ومنطقه ای حل کند و حل این بحران هم موجب افزایش کارایی نظام سیاسی وهم ایجاد تفاهم بین مردم ونخبگان وبه طور کلی همبستگی اجتمایی می‌شود به عقیده پای این نهادها در همه جا به یک سیاق اتفاق نمی‌افتد ومشکل اساسی این می‌باشد که همه بحران‌ها انباشته شده وبه طور همزمان پیش بیاید.

**هانتینگتون**: عمده‌ترین اثار هانتینگتون در خصوص مسائل توسعه ونوسازی کتاب نظم سیاسی در جوامع در حال دگر گونی است. ومقالاتی هم در این خصوص دارد که مهم‌ترین انها توسعه سیاسی وزوال سیاسی است.

هانتینگتون بین توسعه ونوسازی تمایز قائل می‌شود.

از نظر ایشان نوسازی تحول در شاخصهای عمومی زندگی در روزگار نواست ولی توسعه وتحول درنهادهای مختلف در حوزه‌های سیاسی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و..... است.

نوسازی جنبه عام وتوسعه جنبه خاص دارد.

هرچه نهادها نیرو مند تر باشند قطعاً حجم وکارایی ان نیزبیشتر خواهد بود.

به عقیده ایشان یک نظام سیاسی برای اینکه از عهده نوسازی براید نخست باید سیاسی را بدعت گذاری تا بر پایه ان اصلاح اجتماعی واقتصادی را بااقدام دولتی به پیش برد.

**اصلاح یعنی**: دگرگونی سازی ارزش‌های سنتی.

بعضی از محققان براین عقیده‌اند که هانتینگتون از نظر توسعه اساساً محافظه کارانه وبر پایه ارزش‌هایی چون ثبات، نظم، تعادل وهماهنگی استوار است وبه سوی ثبات نهادی تمایل دارد.

**پل باران**: از اولین نظریه پردازان وابستگی است ودیدگاههای فرد را در کتاب اقتصاد سیاسی رشد ارائه کرده است.

باران معتقد است ورود سرمایه داری جهانی به درون اقتصاد عقب مانده مانع از تحقق شرایط رشد اقتصادی به مفهوم کلاسیکان در این کشورها شده است. توسعه شتابان ونگهانی سرمایه داری صنعتی در غرب نتیجه استعمار واستثمار بین المللی وتخریب نظام‌های اقتصادی ماقبل می‌شود.

باران استدلال می‌کند پس از پیدایش وضع توسعه یافتگی وتوسعه نیافتگی همه کشورهای جهان به صورت کم وبیش شرایط مشابه داشته‌اند ونظام سیاسی و فئودالی در همه جا بر قرار بوده است.

فرو پاشی این وجه تولید در همه جا در نتیجه سه عامل عمده صورت گرفت:

**1) شورش‌های دهقانی در نتیجه فشارهای جامعه وفئودالی وپیدایش نیروی کار ازاد**

**2) رشد وتوسعه شهرها وطبقات تاجرپیشه وصنعتگر**

**3) تجاری شدن کشاورزی وانباشت سرمایه اولیه در دست بورژوایی نوپا**

انباشت سرمایه تجاری اولیه به دو دلیل شتاب بیشتری پیدا کرد:

**اول**: موقعیت جغرافیایی اروپائیان وتوسعه زود رس در کشتیرانی وگسترش راههای در یای واکتشاف جغرافیایی

**دوم**: ضعف منابع کانی وطبیعی اروپایی که موجب توجه ودست اندازی اروپائیان به منابع سرزمین‌های غنی شد.

روابط اروپائیان با مناطق دیگر به دو صورت شکل گرفت:

**1) سکنی گرفتن درمنطق عمدتاً خالی از سکنه مانند امریکا واسترالیا**

**2) استعمار واستثمار مناطق مسکونی در اسیا وافریقا به منظور انتقال ثروت انها**

افزایش واردات غربی موجب ورشکستگی صنایع بومی مستعمرات شد.

از یک سو شرایط برای پیدایش روابط تولید سرمایه داری در مستعمرات فراهم شد واز سوی دیگر غارت مازاد اقتصاد از پیدایش شرایط توسعه دراین کشورها جلو گیری کرد.

به عقیده باران، استعمار موجب عقب ماندگی هند شد وژاپن که ازبلای استعمار جان سالم بدر برد توانست پویش طبیعی خود راطی کند.

تنها راه پیشرو کشورهای در شرایط وابستگی وتوسعه نیافتگی انقلاب سوسیالیسی است.

**آندره گوندر فرانک**: فرانک با ارائه تبیینی برون گرا از توسعه جهان سوم به مقابله با تبیین درون گرایانه مکتب نوسازی برخواست.

به عقیده او نظریه پردازان این مکتب وابستگی متقابل میان جهان توسعه یافته وجهان توسعه نیافته را درنمی یابند ایشان معتقد است جهان پیشرفته صنعتی خودش به تنهایی صنعتی نشده بلکه با انجام اقتصاد دیگران در درون خود توسعه پیدا کرده است، از همین روست که توسعه یافته وتوسعه نیافته لزوم ملزوم یکدیگر هستند.

فرانک معتقد است سه ویژگی سرمایه داری ذیل علت اصلی توسعه نیافتگی دیگر کشورها هستند:

**1) تصاحب بسیاری از کشورها توسعه نیافته توسط معدود کشورهای توسعه یافته**

**2) قطبی شدن نظام سرمایه داری وتبدیل ان به مرکزها وپیرامون ها**

**3) استمرار ساختاراصلی نظام سرمایه داری به نحوی که به تداوم ویژگی‌های اول ودوم منجر می‌شود.**

به عقیده فرانک امکان انزوای اقتصاد کشورهای غیر سرمایه ای از اقتصاد سرمایه داری چه در سطح ملی وچه درسطح جهانی وجود ندارد.

اقتصاد جهانی دارای مرکز وپیرامونهایی هستند وباهم پیوسته هستند وهیچ اقتصادی نیست که درون این شبکه ادغام نشده باشد.

ویژگی ساختاری اصلی این شبکه خصلت انحصاری سلطه مرکز به پیرامون خویش است.

فرانک معتقد است ارزش منابع درهر منطقه ای بوسیله اقتصاد جهانی ونیازهای ان تعیین می‌شود.

هر جا نیاز وتوجه مر کزبه منابع محلی اندک بوده امکان توسعه مستقل پیدا شده است.

**سمیر امین**: از اواخر دهه 1960 این موضوع مورد توجه مارکسیست‌ها قرار گرفت که یک نظام واحد سرمایه داری است که نیروی خود را از توسعه شیوه تولید سروپمایه داری در مرکز کسب می‌نماید.

در این روند اقتصاد کشورهای پیرامون با همکاری طبقات مسلطان مورد تجاوز قرار می‌گیرد ودستخوش استحاله می‌شود.

به عقیده امین وابستگی به عنوان بخشی از طبیعت نظام سرمایه داری است یک نظام سرمایه داری جهانی وجود دارد که محرک توسعه خود را از مرکز این نظام (کشورهای پیشرفته صنعتی) می‌گیرد. این مرکز قادر به توسعه خود محور ومستقل هستند در حالی که کشورهای پیرامونی وتوسعه نیافته قادر به این کار نیستند.

سمیر امین سه ویژگی برای کشورهای توسعه نیافته وپیرامونی ذکر می‌کند.

**1) نابرابری سطوح بهره وری**

**2) از هم گسیختگی اقتصاد**

**3) سلطه نیروهای خارجی**

به عقیده امین از زمان جنگ جهانی دوم دو تحول در روابط مر کز وپیرامون صورت گرفته:

**1) گسترش شرکت‌های چند ملیتی**

**2) انقلاب تکنولوژیک**

**کاردوزو وفالتو:**

کاردوزو وفالتواین دو از متفکرین جدید وابستگی به شمارمی رود کاردوزو تعمداً از اصطلاح توسعه وابستگی استفاده می‌کند چرا که دو مفهوم جداگانه ومتناقض را در بر می‌گیرد.

نظریات نوسازی فقط به توسعه ونوسازی اشاره دارد ونظریات وابستگی سنتی وامپریالیسم نیز بر رابطه استثمار وبهره کشی میان کشورهای مرکز وکشورهای پیرامون تاکید دارد.

اما ادعا کاردوز این است که با ظهور شرکت‌های چند ملیتی ورود سرمایه صنعتی به کشورهای پیرامون وپیدایش تقسیم کار جدید بین المللی مرحله نوینی اغاز شده است واعتقاد دارد این حرکت به ارتقاءتوسعه کشورهای پیرامونی کمک می‌کند چرا که هدف شرکت‌های خارجی تولید کالا وفروش در بازار داخلی است ومنافع انها درراستای رشد اقتصادی کشور وابسته قرار می‌گیرد.

واعتقاد دارد توسعه وابسته به دلیل فقدان تکنو لوژی مستقل ناقص الخلقه باقی می‌ماند.

در واقع قصد کاردوزو بررسی وابستگی وتوسعه یاهمین طور سلطه خارجی ونیروهای سیاسی داخلی در کنار یکدیگر است تا به این وسیله نشان دهد چگونه تعامل میان این دو (نیروها وبازیگران) سبب ایجاد توسعه ای پویا در درون مرزهای ساختاری وابستگی شده است.

سه نوع بازیگران سیاسی در الگوی کاردوزو.

**1) دولت‌های نظامی**

**2) شرکت‌های چند ملیتی**

**3) بورژوازی محلی**

کار دوزو معتقد است این سه گروه در برزیل از سال 1964 برای دست یابی به توسعه مقارن باوابستگی بایکدیگر ائتلاف سیاسی تشکیل داده‌اند

فالتو وکار دوزو در کتاب وابستگی وتوسعه در امریکای لاتین به نقد وبررسی نقش نیروهای اجتماعی وسیاسی محلی در درون چارچوب کلی وابستگی می‌پردازد

به عقیده این دو، تفاوت راههای توسعه درمورد کشورهای مختلف ناشی از میزان منابع طبیعی کشورها به میزان حضور سرمایه خارجی، شیوه جهت گیری نیروهای طبقات محلی نسبت به سرمایه بین المللی، شیوه سازمان دهی به دولت توسط طبقات داخلی به میزان قدرت بورژوازیووبرهه تاریخی ادغام کشورهای پیرامونی درمرکز است.

**گلیر مو اودانل**: اودانل در کتاب خود تحت عنوان نوسازی ودیوان سالاراقتدار گرایی به بررسی دیوان سالار اقتدار گرایی می‌پردازد بروز این دولت‌ها ابتدا در کشورهای امریکای لاتین دردهه 1960 وبه طور خاص دربرزیل، ارژانتین، شیلی واروگوئه بوده است

به عقیده او دولت‌های دیوان سالار اقتدار گرا بر خلاف دیگر شکل‌های سلطه سیاسی نظیر اقتدار گرایی سنتی وفاشستی حاوی خصایص ذیل می‌باشند:

**حاکمیت دیوان سالار**

**انحصاری سیاسی**

**انحصاری اقتصادی**

**سیاست زدایی**

**تعمیق سرمایه داری وابسته**

**حاکمیت دیوان سالار**: بدین معناست که مناصب عالی حکومت معمولاً توسط افرادی اشغال می‌شوند که یک دوره عملکرد موفقی داشته‌اند

**انحصار سیاسی**: دولت‌های دیوان سالار اقتدار گرا هم از طریق سرکوب وهم از طریق کنترل‌های مردمی یا جمعی خود درسازمانهایی نظیر اتحادیه‌های کار گری ومجاری دسترسی عامه نمردم به سیاست را می‌بندد

**انحصاری اقتصاد**: دولت‌های دیوان سالاری اقتدارگرا ارزوهای بی انتهایی بخش مردمی برای مشارکت اقتصادی را کاهش داده یا به آینده موکول می‌نماید

**سیاست زدایی**: مسائل اجتماعی در مسائل فنی تقلیل پیدا می‌کند وحل انها درگرو برنامه ریزی دیوان سالاری دولتی است

**تعمیق سرمایه داری وابسته**: این نوع دولت‌ها درکشورهای جهان سوم همراه است

به عقیده او این کشورها با نبودی رهبران بخش مردمی وتبدیل سازمان‌های کارگری در سطح کارخانه جات به یک بازوی دولت تبدیل می‌شود حذف بخش مردمی ازصحنه سیاسی ضمن تأمین نظم وشرایط لزوم برای تثبیت روابط ضمانت بیشتری را برای سرمایه گذاری وسود آور وانگیزه جدیدی را برای تعمیق ساخت تولید فراهم می‌کرد ومعتقد بود اگر دولت‌ها از طریق سرکوب سیاسی اقدام نمی‌کردن تعمیق تولید وصنعت هیچگاه امکان پذیر نبود.

نخستین اقدامات دولت اقتدار گرا دیوان سالار را می‌توان اینگونه بر شمرد:

**جدایی سیاسی از بخش مردمی**

**ابهام زدایی ازمتحدین اولیه**

**وابستگی به سرمایه‌های بین المللی**

دولت‌های دیوان سالار اقدار گرا زمانی می‌توانند قدرت خود را تحکیم بخشند واز مرحله اولیه عبور کنند که جریان ورود سرمایه‌های بین المللی به شکل منظم ومستمر در بیاید ودر این شرایط است که می‌توان بهبود قابل توجه در رشد تولید ناخالص ملی از فعالیت‌های قبلی شرکت‌های فرا ملیتی مشاهده کرد، ودر اینصورت دولت‌های دیوان سالار اقتدار گرا از قدرت چانه زنی بیشتری نسبت به قبل برخوردار خواهند شد.

یک دولت دیوان سالار اقتدارگرا موفق می‌تواند با یک سیاست مناسب دوباره فضارا برای فعالیت مجدد بورژوازی فراهم کند وبه این روش شکل مثلثی می‌گیرد که دولت اقدار گرا سرمایه بین المللی وسرمایه محلی رئوس سه گانه ان را تشکیل می‌دهد.

به عقیده اودانل در دو صورت دولت‌های دیوان سالار اقتدار گرا دچار فرو پاشی می‌شوند:

**1) جامعه مدنی با فعالیت‌های خود دولت را مضمحل کند وان رامجددا وادار کند تا حساسیت بیشتری نسبت به مسائل اجتماعی واعمال محدودیت بر سرمایه‌های بین المللی از خود نشان دهد ودر واقع ویژگی‌های خود را تعدیل نماید مانند ارژانتین**

**2) دولت اقتدار گرا دوباره پس از تحکیم سیاست ملی گرایانه را دنبال نماید.**

**امانوئل والر شتاین**: در اواسط دهه 1970 گروهی از محققان بنیاد گرا به سرپرستی امانوئل والرشتاین دریافته بودند که درچارچوب دیدگاه وابستگی نمی‌توان به تبیین بسیاری از تحولات جدید در اقتصاد جهانی سرمایه داری دست زد

دیدگاه نظام جهانی والرشتاین متأثر از دو منبع فکری بود:

**1) ادبیات نومارکسیستی در زمینه توسعه**

**2) دیدگاه‌های فرنان برودل مورخ فرانسوی**

والرشتاین ابتدا بسیاری از اصول عقاید مکتب وابستگی را تأیید کرد ولی به علت نفوذ فرنان برروی وی پارا فراتر از دایره مکتب نومارکسیستی گذاشت وهدف فرنان به توسعه وتدوین تاریخ جهان شمول بود.

والرشتاین اثار زیادی داشت ولی دو اثرش از اهمیت بالاتری برخوردار بود:

**کتاب نظام نوین جهانی**

**مقاله توسعه ستاره راهنما یا خطای دید**

ایشان اقتصاد جهان را به دو دوره تقسیم می‌کند

**1) از قرن شانزدهم تا سال 1945**

**2) ازسال 1945 تا امروز**

**دوره پیش از 1945:** از نظر والرشتاین این دوره دوویژگی دارد

**اول قطبی شدن:** از دیدگاه والراشتاین اقتصاد سرمایه دار از قرن شانزدهم با مرکزیت اروپا شروع شد، وتا سال 1600 مناطق شرق ومرکزاروپا در مقایسه با مناطق شمال وغرب این قاره با نشانه‌های زیر شناخته می‌شدند

**1) میزان مصرف سرانه انان درسطح پایین تری قرار داشت**

**2) جریان تولید محلی عمدتاً متکی به کاراجباری بود**

**3) ساختار دولتی از نظر داخلی، غیر متمرکز واز نظر خارجی ضعیف تر بود.**

**دوم الحاق:** اقتصاد جهانی سرمایه داری دردوره پیش از 1945 علاوه برقطب بندی مناطق ویژگی دیگری بنام الحاق داشت منظور از الحاق گسترش منظم مرزهای اروپا به سمت بخشهای دیگر جهان وفرایند الحاق از قرن هفدهم شروع شد وتا قرن نوزدهم نقطه ای نمانده بود که از حیطه عملکرد بین المللی خارج باشد.

والرشتاین متذکر می‌شود تحولات جهان اقتصادی بعد از سال 1945 از دو جهت قابل توجه بود.

**اول:** اقتصاد جهانی بعد از سال 1945 به اندازه تمام سالهای 1500 تا 1945 رشد کرده بود.

**دوم:** قدرت سیاسی نیروهای مخالف سرمایه داری تا حد شگفت آور افزایش یافت در این زمینه می‌توان به کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های ازادی بخش، وبه قدرت رسیدن احزاب سوسیال اشاره کرد.

والر اشتاین جهان را به سه قسمت تقسیم می‌کند:

**منطق مرکزی**

**منطق پیرامونی**

**منطق نیمه پیرامونی**

**مناطق مرکزی:** مراکز سلطه اقتصادی وقدرت امپراطوری بو**د**

**منطق پیرامونی**: درمعرض کنترل امپراطوری بود

**مناطق نیمه پیرامونی:** شامل کشورهای مرکزی می‌شود که به موقعیت پیرامونی رانده شدند

**تهیه کننده: سرحدی و ...**

**ویراستار: فتحی**